

**DOI:** [10.22051/TQH.2015.945](https://doi.org/10.22051/TQH.2015.945)

## نقش قرائت قرآن در ترجمه و تفاسیر ایرانی در قرن دهم هجری قمری

کریم پارچه‌باف دولتی<sup>۱</sup>

سیدمحمدعلی ایازی<sup>۲</sup>

سیدمحمدباقر حجتی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۵

تاریخ تصویب: ۹۲/۰۴/۳۰

### چکیده

«علم قرائت» را می‌توان یکی از مهم‌ترین علوم قرآنی دانست که تأثیری مستقیم بر ترجمه و تفسیر قرآن دارد. بررسی و ملاحظه ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن در آیاتی که قرائت مختلف در کلمه یا کلماتی از آن‌ها وجود دارد که بر معنای آیات مؤثر است، نشانگر قرائت مورد پذیرش یا حداقل مرجح نزد مترجم یا مفسر قرآن می‌باشد. در این مقاله، ابتدا معرفی یک ترجمه (ترجمه‌ای ناشناخته و تصحیح شده از منطقه خراسان بزرگ) و سه تفسیر قرآن کریم

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

[kdowlati@chmail.ir](mailto:kdowlati@chmail.ir)

[info@ayazi.net](mailto:info@ayazi.net)

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

[hojjati@ut.ac.ir](mailto:hojjati@ut.ac.ir)

<sup>۳</sup> استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

(منهج الصادقین، زبده التفاسیر و مواهب العلیه یا تفسیر حسینی) از مترجمان و مفسران ایرانی در قرن دهم هجری قمری مورد مطالعه قرار گرفته است. انتخاب قرن دهم از آن رو صورت پذیرفته که شواهد مختلف نشان می‌دهد در این قرن، مراحل آغازین دوره روی آوری کاتبان، مترجمان و مفسران به یک قرائت از میان قرائات مشهور صورت پذیرفته است. بررسی مقایسه‌ای قرائت قرآن در این ترجمه و تفاسیر نشان می‌دهد هرچند پذیرش قرائت واحد در قرن دهم نزد عموم محققان و در تمام مناطق ایران به طور فراگیر به چشم نمی‌خورد، ولی توجه به روایات منقول از عاصم بن ابی‌النجد کوفی بیشتر است. در این میان، تطابق کامل قرائت برخی از آثار با قرائت عاصم به روایت ابوبکر شعبه بن عیاش در قرن دهم از قبیل «منهج الصادقین» و «تفسیر حسینی» نتیجه یاد شده را تقویت می‌کند.

### واژه‌های کلیدی: قرائات، ترجمه و تفسیر قرآن، منهج الصادقین،

زبده التفاسیر، مواهب العلیه، تفسیر حسینی.

#### ۱. مقدمه

علم قرائت قرآن، مبنای علوم دیگر قرآن کریم محسوب می‌شود. کلام الهی در پرتو قرائت و با واسطه فرشته بزرگ خدا، جبرئیل امین، بر رسول اعظم اسلام (ص) نازل گردید. موضوع علم قرائت عبارت است از: اصول قرائی و فرش الحروف (فضلی، ۱۴۳۰، صص ۱۳۸-۱۳۹).

از جمله اصول قرائی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ادغام، مد، احکام همزه، اماله و وقف؛ و فرش الحروف که عبارت است از: موارد جزئی از اختلاف قرائات در کلمات قرآنی که ضابطه مند نیستند. مثلاً قرائت کلمه «يَخْدَعُونَ» (البقره: ۹) با قرائت «يُخَادِعُونَ» (النساء: ۱۴۲) قیاس نمی‌شود. به عبارت دیگر در قرآن کریم کلماتی وجود دارد که علاوه بر پراکنده بودن در سوره‌های مختلف قرآن، تلفظ آن‌ها تحت قاعده‌ای معین و مشخص در

نمی آید. فرش به معنای نشر و بسط است و حروف - جمع حرف - در اینجا معنای قرائت می دهد. پس وقتی گفته می شود: «حرف عاصم، حرف حمزه، حرف نافع» در اصطلاح یعنی قرائت عاصم، قرائت حمزه و قرائت نافع.

بعضی گفته اند علت نام گذاری اختلافات جزئی و موردی قرائات به «فرش»، این است که چون بر خلاف اصول قرائت، مثل ادغام یا اماله که در یک جا از آن ها بحث می شود، فرش الحروف تحت ضوابط و اصول قرار نمی گیرند و هر یک به صورت پراکنده و در موضع خودشان در هر سوره، مورد بحث واقع می شوند. در هر صورت، مراد از فروغ یا فرش الحروف هر قاری، احکام و قواعد خاصی است که موارد آن در قرائت آن قاری به صورت کلی جاری نیست بلکه اختصاص به موارد جزئی و استثنایی دارد (حجتی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۵).

اصول قرائی تنها به تلفظ و ادای حروف و کلمات مربوط است، اما از میان فرش الحروف، برخی نظیر اختلاف در «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» و «وَلَا تُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ» (البقره: ۴۸) (دانی، ۱۳۶۲، ص ۷۳) اختلاف در کلمات را دربر دارد بی آن که در معنای کلمات و عبارات قرآنی تغییری ایجاد کند. در مقابل، تعدادی از فرش الحروف از قبیل «قال» و «قل» (الانبیاء: ۱۱۲) (دانی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۶)، تغییر در معنا را ایجاد می کنند.

## ۲. معرفی آثار مورد بررسی

### ۲-۱. ترجمه - تفسیر ناشناخته از قرن دهم

این ترجمه به کوشش و اهتمام دکتر علی رواقی تصحیح و به طبع رسیده است. مترجم - مفسر این نسخه، شناخته شده نیست. البته این مترجم - مفسر طبق بررسی ای که مصحح و محقق اثر انجام داده، ظاهراً در قرن ۱۰ هـ ق می زیسته است. از محتوای ترجمه نمی توان مذهب او را به طور قطعی دانست، ولی ظاهراً مذهب امامی داشته است. این احتمال، به خصوص از توضیحات تفسیری در خلال ترجمه ی برخی سور قرآنی نظیر سوره تحریم، تقویت می شود. منطقه زندگی مترجم با توجه به ویژگی های زبانی ترجمه، به احتمال زیاد، خراسان است ولی بعید است در ماوراء النهر ساکن بوده باشد. البته او قطعاً از سیستان نبوده

است (رواقی، ۱۳۸۳، صص ۵۴۵ - ۵۴۷). این قرآن مترجم جزو سلسله آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌باشد.

این اثر، ترجمه‌ای است که در برخی از آیات و عبارات قرآنی، با توضیح و خلاصه‌ی تفسیر نیز همراه گردیده است (رواقی، ۱۳۸۳، ص ۵۴۵). مترجم، آنچه از مقوله‌ی تفسیر دانسته است جدا از ترجمه و متمایز (در اصل نسخه با رنگ و در نسخه‌ی چاپی با خط ریزتر) آورده است. وی، گاه تفسیر مختصر عبارات را نیز متمایز ذکر کرده است؛ نظیر: «و قولوا حِطَّةً» (البقره: ۵۸) به صورت: و گوید فرونهادنی از ما مسألَتْنَا حِطَّةً (رواقی، ۱۳۸۳، ص ۵۳۹). دقت مترجم در بسیاری از معادل‌یابی‌ها، واژه‌گزینی‌ها و ترکیبات روشن می‌شود. طبق بررسی محقق اثر، وی از ترجمه و تفسیر سوراآبادی نیشابوری بسیار تأثیر پذیرفته است، اما از برخی واژه‌های قرون چهارم و پنجم هجری قمری یعنی دوره‌ی زمانی سوراآبادی بهره نبرده است؛ مانند: به رخ نکند (برای: لن یخلف)، بی ستود شدن (برای: کفر).

در این ترجمه از واژگان ماوراءالنهری و هروی، همچنین رازی و سیستانی نیز خبری نیست (رواقی، ۱۳۸۳، صص ۵۴۶ - ۵۴۷). البته روانی متن و استفاده نکردن از برخی الفاظ غریب در دوره‌های بعد از سوراآبادی، نشانه‌ی تبخّر زبانی وی می‌باشد.

## ۲-۲. مواهب العلیّة

کمال‌الدین حسین بن علی واعظ کاشفی، دانشمند صوفی، شاعر، ادیب، مورخ و واعظ در حدود سال ۸۳۰ (ذوالفقاری و تسنیمی، ۱۳۹۰، ص ۵)، ۸۳۵ تا ۸۴۰ هـ ق متولد شد (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰؛ حضرتی و مقیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۵). وی به واعظ و کمال‌الدین ملقب بوده است. در شعر با کاشفی تخلص می‌کرده است (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۹۳؛ جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰).

وی ابتدا در سبزوار - که مولدش بود - زندگی می‌کرد، سپس به نیشابور و مشهد نقل مکان کرد. در سال ۸۶۰ هـ ق بر اثر خوابی که دید، به هرات رفت (ذوالفقاری و تسنیمی، ۱۳۹۰، صص ۶ - ۷) و در دوره سلطان حسین میرزا بایقرا و وزارت علی شیر نوائی به مدت

۲۰ سال در هرات می‌زیست (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۹۳). اواخر عمرش، زمان سلطان اسماعیل صفوی را نیز درک کرد. وفات کاشفی در سال ۹۱۰ ق در شهر هرات و بنا بر نظری در شهر سبزوار بوده است (ذوالفقاری و تسنیمی، ۱۳۹۰، صص ۱۸ - ۱۹).

درباره مذهبش چند نظر وجود دارد: برخی علی‌رغم اختلاف در اعتقادش، وی را با توجه به تعدادی از تألیفاتش شیعه می‌دانند (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۵۳)؛ گروهی با عنایت به گرایش به فرقه‌ی نقشبندیه و دوستان نزدیکش نظیر عبدالرحمان جامی و امیر علی شیر نوائی که از رافضه و رفض ابراز بیزاری می‌کنند، وی را تا آخر عمر، از اهل تسنن و پیرو مذهب حنفی می‌دانند؛ دسته‌ای، او را سنی با گرایش به تسنن دوازده امامی دانسته‌اند که در بسیاری از مناطق ایران و ماوراء النهر متداول بوده است (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۸؛ جعفریان، ۱۳۸۱، صص ۳۲۷ - ۳۳۰؛ ذوالفقاری و تسنیمی، ۱۳۹۰، صص ۷-۸ و ۱۱ - ۱۹؛ حضرتی و مقیمی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۷ - ۱۳۰).

از جمله آثار فراوان وی در حوزه‌های تفسیر، تصوف، نجوم، اخلاق، حدیث، تاریخ و علوم غریبه، می‌توان نام برد از: آینه‌ی اسکندری یا جام جم، اختیارات نجوم، اخلاق محسنی یا جواهر الآثار نوشته شده در سال ۹۰۰ هـ ق، اسرار قاسمی در علوم غریبه و شعبده، انوار سهیلی بازنویسی کلیده و دمنه، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تحفه الصلوات، التفسیر الوسیط معروف به مواهب العلیه یا تفسیر حسینی، تحفه علیّه، جواهر التفسیر لتحفه الامیر که تفسیری است در جمعیت نکات و فواید و بحری است معدن جواهر (نوائی، ۱۳۶۳، ص ۹۳ و ۲۶۸)، تنویر المذاهب در شرح و اصلاحات مواهب العلیه بر اساس مذهب شیعه، ده مجلس خلاصه روضه الشهداء، رساله العلیه فی الاحادیث النبویه، رساله حاتمیه در ذکر قصه‌های حاتم طائی، شرح صحیفه سجادیه، صحیفه شاهی در نامه‌نگاری، فتوت نامه سلطانی، فیض التوال احتمالاً در بیان تعیین وقت ظهر، لب لباب مثنوی، اللباب المعنوی فی انتخاب المثنوی، مخزن الانشاء، مرآت الصفا فی صفات المصطفی، المرصد الاسنی فی استخراج الاسماء الحسنی، روضه الشهداء در شرح زندگی و وفات پیامبران(ع) و ائمه(ع) (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۳، صص ۱۲۱۰ - ۱۲۱۲؛ جعفریان، ۱۳۸۱، صص ۳۲۵ - ۳۲۷؛

حضرتی و مقیمی، ۱۳۷۷، صص ۱۳۰ - ۱۳۴). عمده‌ی آثار بر جای مانده از وی، به زبان فارسی است و نثری شیوا و روان دارد.

مواهب العلیّه یا تفسیر حسینی، تفسیری سلیس و روان به زبان فارسی بر تمام آیات قرآن می‌باشد. کاشفی آن را بین سال‌های ۸۹۷ تا ۸۹۹ ق نگاهشته است و در آن، از عبارات ادبی، عرفانی و نکات تربیتی و هدایتی متناسب با دوره‌ی خود بهره برده است. هر چند کاشفی در نگارش تفسیرش به تفاسیر مهم پیش از خود، از قبیل التبیان و الکشاف توجه داشته، ولی به کتب عرفانی توجه ویژه‌ای نموده است. گرایش ادبی - عرفانی وی در تفسیر سبب گردیده است تا این تفسیر در مناطق مختلفی از هندوستان، پاکستان و افغانستان مورد توجه جدی قرار گیرد.

تفسیر حسینی در واقع به ترجمه‌ای مبسوط شباهت دارد. در مسائل فقهی و تفسیر آیات الاحکام، معمولاً نظر ابوحنیفه را با عنوان «امام اعظم» ذکر می‌کند و گاهی رأی شافعی، مالک و احمد حنبل را نیز در پی آن می‌آورد. در مسائل کلامی، وی را نه می‌توان اشعری دانست و نه معتزلی، زیرا گاهی مطابق این گروه و زمانی مطابق آن دسته نظر می‌دهد. تفسیر آیات خاصی که بر جایگاه ویژه‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) و اهل بیت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) دلالت دارند، نشان می‌دهد این تفسیر با گرایش اهل تسنن و پیروی از مذهب حنفی نگارش یافته است (ایازی، ۱۳۸۶، صص ۱۲۱۲ - ۱۲۱۵).

## ۲-۳. منهج الصادقین فی الزام المخالفین

مولی فتح الله بن مولی شکر الله کاشانی از جمله فقیهان متکلم در دوره صفویان است. وی در کاشان متولد شد ولی برای کسب آموزی به اصفهان رفت و از مفسر بلند مرتبه آن دوره، علی بن حسن زواره‌ای بهره‌ها برد که در تفسیرش نیز انعکاس یافته است. زواره‌ای، خود، شاگرد محقق ثانی است و به واسطه وی، از شیخ علی کرکی (م ۹۴۰ هـ ق) روایت نقل می‌کند (شایانفر، ۱۳۹۰، ص ۷). همچنین از ضیاءالدین محمد بن محمود روایت می‌کند.

کاشانی، عالمی محدث نیز به شمار می‌آید. با توجه به این جایگاه، یکی از برجسته‌ترین ناقلان روایت از ایشان، شاه مرتضی پدر فیض کاشانی می‌باشد (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲،

ص ۷۷۹؛ ایازی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۸۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، صص ۱۴ - ۱۹؛ کخاله، بی تا، ج ۸، صص ۵۱ - ۵۲).

هرچند درباره طبرسی داستان سربر آوردن از قبر پس از تدفین مشهور است، اما در برخی از محققان در زندگی مولی فتح الله کاشانی نیز آورده‌اند: وی دچار سکنه شد و گمان کردند مرده است. وقتی او را دفن نمودند، نذر کرد اگر از این وضع رها شود تفسیری بنویسد. در این بین، قبر کن به یادش آمد چیزی را در قبر او جا گذاشته است. مخفیانه قبر را کنده، او را زنده می‌یابد (قمی، ۱۳۲۷، ج ۱، ص ۳۴۶؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۰). وی به سال ۹۸۸ یا ۹۹۷ وفات یافت (طهرانی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۷) و مقبره‌اش در ابتدای جاده قمصر کاشان قرار دارد (فهیمی تبار، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸).

از جمله آثار ایشان غیر از *منهج الصادقین* می‌توان اشاره نمود به: ترجمه‌ی قرآن کریم، *زبدۀ التفاسیر، خلاصۀ المنهج، تنبیه الغافلین و تذکرۀ العارفين فی شرح نهج البلاغه، کشف الاحتجاج فی ترجمۀ الاحتجاج اثر طبرسی، شرح خطبۀ الشفقیه، علامات ظهور و قیامت* (شایانفر، پیشین، صص ۱۰ - ۱۳).

*منهج الصادقین* تفسیری سلیس و روان به زبان فارسی بر تمام آیات قرآن می‌باشد. این تفسیر از *روض الجنان و روح الجنان* شیخ ابو الفتوح رازی تأثیر فراوانی پذیرفته است. در این تفسیر، پس از اشاره به فضیلت سور، ترجمه‌ی آیه به فارسی آورده می‌شود. سپس معنای لغوی، وجوه اعرابی و بیانی (با تکیه بر تفاسیر *کشف زمخشری و انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی*)، قرائات هفت گانه، اسباب النزول، روایات معصومان (ع)، داستان‌های قرآن در ضمن تفسیر آیات در پی هم می‌آید. در این تفسیر، به تناسب آیات و سور توجه ویژه‌ای شده است. مسائل فقهی نیز در این تفسیر مورد توجه می‌باشد. کاشانی که عالم به احادیث است، روایات موضوعه و اسرائیلیات را نیز معرفی می‌کند و بر اشکالاتش تأکید دارد (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۷۷۹ - ۷۸۱؛ ایازی، ۱۳۸۶، ج ۳، صص ۱۱۸۵ - ۱۱۸۸).

این تفسیر نیز تألیف مولی فتح الله کاشانی و از جمله آخرین مؤلفات ایشان در طول زندگی اش می‌باشد. وی پس از نگارش *منهج الصادقین و خلاصه المنهج*، به این تألیف اقدام کرد. *زبده التفاسیر* به زبان عربی و دارای جایگاه ویژه‌ای است، به خصوص این که در قرن دهم هجری قمری، تفاسیر عربی استدلالی اندک است. وی در تفسیرش، پس از اشاره به معنای لغت و کاربرد آن به تفسیر می‌پردازد. حجم روایات منقول از فریقین در این اثر قابل توجه است و از بسیاری از کتب روایی، نقل حدیث دارد. کاشانی بحث‌های کلامی را نیز در تفسیرش ذکر می‌کند. البته مشکلات اعراب، تفسیر و سایر موارد در این تفسیر مشاهده نمی‌شود. منابع تفسیری کاشانی در این تفسیر عمدتاً شامل *کشاف زمخشری*، *انوار التنزیل و اسرار التأویل بیضاوی*، *مجمع البیان و جوامع الجامع طبرسی* است (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۸۴۷-۸۵۱).

### ۳. بررسی قرائت در آثار مورد بررسی

#### ۳-۱. ترجمه - تفسیر ناشناخته از قرن دهم

ترجمه کل آیات قرآن از نسخه‌ی چاپ شده مورد بررسی قرار گرفت. ویژگی‌های ملاحظه شده قرائت در این ترجمه به اختصار عبارت است از:

۳-۱-۱. در مواضع زیادی، قرائت مورد نظر مترجم در ترجمه روشن نیست؛ نظیر: «الْحَقِّ» یا «الْحَقُّ» (الکهف: ۴۴)، «عَالِمٍ» یا «عَالِمٌ» (المؤمنون: ۹۲)، «وَالْخَامِسَةُ» یا «وَالْخَامِسَةُ» (النور: ۹).

۳-۱-۲. انعکاس موارد زیادی در ترجمه ممکن نبوده است و نمی‌توان قرائت مرجح در نظر وی را درک کرد؛ مانند: «ثُمَّ لِيَقْضُوا» یا «ثُمَّ لِيَقْضُوا» (الحج: ۲۹)، «يُجْبِي» یا «تُجْبِي» (القصص: ۵۷).

۳-۱-۳. موارد اندکی در ترجمه وجود دارد که با هیچ قرائتی سازگار نیست. از جمله این موارد، می‌توان اشاره کرد به: «أَوْ تَقُولُوا» (الاعراف: ۱۷۳) به صورت «نه گویم» ترجمه شده که با هیچ یک از قرائت معروف «أَوْ تَقُولُوا» و «أَوْ يَقُولُوا» (دانی، پیشین: ص ۱۱۴) قرائتی مطابقت ندارد.



۴-۱-۳- علی رغم دقت مترجم - مفسر در عموم مواضع از حیث هماهنگی در ترجمه مواضع مشابه، در عبارت «نَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ» دو ترجمه، یکی مطابق قرائت غیر حفص (الانعام: ۸۳) «نَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ» (پیشین: ص ۱۰۴) و دیگری مطابق قرائت حفص (یوسف: ۷۶) «نَرَفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ» (پیشین) وجود دارد.

۵-۱-۳- برخی از موارد بر اساس بیش از یک قرائت ترجمه شده است؛ نظیر: ترجمه آیه ۱۲ سوره یوسف بر اساس قرائات «يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ» و «نَرْتَعُ وَنَلْعَبُ» (پیشین، ص ۱۲۸)، ترجمه آیه ۴۶ سوره النور بر اساس قرائات «مُيِّنَاتٍ» و «مُيِّنَاتٍ» (پیشین، ص ۱۶۲) و ترجمه آیه ۴۶ سوره غافر بر اساس قرائات «أَدْخَلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» و «أَدْخَلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (پیشین، ص ۱۹۲).

۶-۱-۳- در جدول زیر، مواردی که قرائت مورد نظر مترجم با روایت حفص تفاوت دارد، استخراج و ارائه گردیده است:

جدول شماره ۱

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
الحمد	۴	مَالِك	مَلِك: پادشاه	حمزه، ابو عمرو، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر، ابن عامر
البقره	۱۴۰	تقولون	يقولون: همی گویند	شعبه، ابو عمرو، روح، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر
البقره	۱۷۷	ليس البرّ	ليس البرّ: نیست نیکی	کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر، ابن عامر
البقره	۲۱۰	و الملائكهُ	و الملائكهُ: عطف بر الغمام و مجرور معنا کرده است.	ابو جعفر
البقره	۲۲۲	حتى يَطْهَرْنَ	حتى يَطْهَرْنَ: تا پاک شوند به غسل	حمزه، کسائی، خلف، شعبه

آیه	سوره	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
۲۷۱	البقره	و یَکْفُرُ	و نکفر: و پوشیم قرائت «و یکفر» به صورت رنگی در اصل نسخه: «پوشد او» آمده است.	حمزه، کسائی، خلف، نافع، ابوجعفر
۲۸۲	البقره	أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً	ان تکون تجاره حاضرة: که باشد بازرگانی آماده	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۳۶	آل عمران	وَضَعَتْ	وَضَعَتْ: نهادم	شعبه، یعقوب، ابن عامر
۳۷	آل عمران	و كَفَلَهَا	و کفلها: و پذیرفت او را	ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۷	آل عمران	فِيوْفِيهِمْ	فنیوفیهم: پس تمام دهیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، روح، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۳	آل عمران	يُرْجَعُونَ	تُرْجَعُونَ: بازگردانیده شوید	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱۵	آل عمران	و مَا يَفْعَلُوا	و ما تفعلوا: و آنچه کنید	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱۵	آل عمران	فَلَنْ يُكْفَرُوهُ	فلن تکفروه: پس هرگز ناسپاسی کرده نشوید	شعبه، ابوعمر، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
آل عمران	۱۷۸	و لایحسبن	و لاتحسبن: و میندار	حمزه
آل عمران	۱۸۰	و لایحسبن	و لاتحسبن: و میندار	حمزه
النساء	۱۲	یوصی	یوصی: اندرز کنند	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و، یعقوب، نافع، ابوجعفر
النساء	۲۴	و أحلّ	و أحلّ: و حلال کرد	شعبه، ابوعمر و، یعقوب، نافع، ابن کثیر، ابن عامر
النساء	۲۹	آن تکون تجاره	آن تکون تجاره: که باشد بازرگانی	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
النساء	۴۰	و إن تک حسنه	و إن تک حسنه: و اگر باشد نیکی	یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
النساء	۷۷	و لا تظلمون	و لا یظلمون: و ستم کرده نشوند	حمزه، کسائی، خلف، روح، ابن کثیر، ابوجعفر
النساء	۱۲۴	یدخلون	یدخلون: در آورده شوند	شعبه، ابوعمر و، روح، ابن کثیر، ابوجعفر
النساء	۱۴۰	و قد نزل	و قد نزل: و به درستی که فرو آورده شد	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
النساء	۱۵۲	سوف یؤتیهم	سوف تؤتیهم: زود دهیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
المائده	۶	و ارجلکم	و ارجلکم: عطف بر رؤوسکم و مجرور معنا کرده است.	حمزه، خلف، شعبه، ابو عمرو، ابن کثیر، ابو جعفر
المائده	۱۰۷	استَحَقَّ	استَحَقَّ: سزاوار شد	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر، ابن عامر
الانعام	۵۴	أَنَّهُ	أَنَّهُ: به درستی که او	حمزه، کسائی، خلف، ابو عمرو، ابن کثیر
الانعام	۵۴	فَأَنَّهُ	فَأَنَّهُ: پس به درستی که او	حمزه، کسائی، خلف، ابو عمرو، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر
الانعام	۵۷	يَقْضُ الْحَقَّ	يَقْضُ الْحَقَّ: گذارد سزا را	حمزه، کسائی، خلف، ابو عمرو، یعقوب، ابن عامر
الانعام	۶۳	لئن انجانا	لئن انجینَا: اگر رهانی ما را	ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر، ابن عامر
الانعام	۸۳	درجاتٍ من	درجاتٍ من: پایه گاههای آن را	ابو عمرو، ابن کثیر، نافع، ابو جعفر، ابن عامر
الانعام	۱۰۹	انها	انها: به درستی که نشانها	خلف، شعبه (خلف)، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر
الانعام	۱۱۹	و قد فَصَّلَ	و قد فَصَّلَ: و به درستی که پدید کرده شد	ابو عمرو، ابن کثیر، ابن عامر
الانعام	۱۱۹	حَرَّمَ	حَرَّمَ: بسته کرده شد	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، ابن کثیر، ابن عامر

آیه	سوره	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
۱۲۴	الانعام	رسالتّه	رسالاتّه: پیغام‌های خویش	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۲۸	الانعام	یحشرهم	نحشرهم: گرد کنیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، رويس، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۹	الانفال	وَأَنَّ	وَأَنَّ: و به درستی که	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن كثير
۵۹	الانفال	و لایحسین	و لایحسین: و مپندار	شعبه
۱۰۳	التوبه	صلاتک	صلواتک: درودهای تو	شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱۰	التوبه	أَنْ تَقَطَّعَ	أَنْ تَقَطَّعَ: که پاره کرده شود	کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، نافع، ابن كثير
۵	یونس	یفصل	نفصل: پدید می کنیم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۲۳	یونس	متاع	متاع: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۵	یونس	یحشرهم	نحشرهم: گرد کنیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۰	هود	کلّ زوجین	کلّ زوجین: هر جفت نر و	حمزه، کسائی، خلف، شعبه،

سوره	آیه	روایت حفظ	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
			ماده	یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۴	هود ۸۷	صَلَاتُكَ	صَلَوَاتُكَ: نمازهای تو	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۵	هود ۱۱۱	لَمَّا	لَمَّا: هر آینه	کسائی، خلف، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع
۴۶	هود ۱۲۳	تَعْمَلُونَ	یعملون: همی کنند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، ابن کثیر
۴۷	یوسف ۲۴	الْمُخْلِصِينَ	الْمُخْلِصِينَ: ویژه کاران و یکتایان	ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۴۸	یوسف ۱۰۹	نوحی	یوحی: پیغام کرده شود	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۴۹	الرعد ۱۷	یوقِدُونَ	توقِدون: برافروزید	شعبه، ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۰	الرعد ۳۳	و صدُّوا	و صدُّوا: و باز گشتند	ابو عمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۱	ابراهیم ۲	الله	الله: ابتدایی معنا کرده است.	نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۵۲	الحجر ۸	مَا نُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةَ	مَا تُنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ: فرو نمی- آید فرشتگان	ابو عمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
الحجر	۴۰	المخْلِصين	المخْلِصين: ویژه کاران	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
الحجر	۵۴	تبشرونَ	تبشرون: مژده همی دهید مرا	نافع
النحل	۲۰	یدعون	تدعون: همی خوانید	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
النحل	۴۳	نوحی	یوحی: پیغام کرده می شود	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
النحل	۷۱	یجحدون	تجحدون: ناشناسی می کنید	شعبه، رویس
الاسراء	۷	لیسواوا	لِئَسُوا: تا اندوهگین کنیم	کسائی
الاسراء	۴۲	یقولون	تقولون: می گوید	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
الکهف	۸۸	جزاء الحسنی	جزاء الحسنی: پاداشت نیکوتر	شعبه، ابوعمر و، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
مریم	۶	یرثی	یرثی: تا میراث گیرد از من	کسائی، ابوعمر و
مریم	۶	و یرثُ	و یرثُ: و میراث یابد	کسائی، ابوعمر و
مریم	۵۱	مخْلِصاً	مخْلِصاً: ویژه کننده دین به کنانه در دل	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
طه	۸۷	حُمِلْنَا	حَمَلْنَا: ما برداشتم برداشته	حمزه، کسائی، خلف، شعبه،

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
			بودیم	ابوعمر و روح
۶۵ طه	۹۶	لم یبصروا	لم تبصروا: ندیدید	حمزه، کسائی، خلف
۶۶ طه	۱۱۹	وَأَنْكأ	وَأَنْكأ: و به درستی که تو	شعبه، نافع
۶۷ الانبیاء	۴	قَالَ	قُلْ: بگو یا محمد	شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۶۸ الانبیاء	۷	نوحی	یوحی: وحی کرده می شد	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۶۹ الانبیاء	۲۵	نوحی	یوحی: وحی کرده شود	شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۰ الانبیاء	۱۰۴	لِلْکُتَبِ	لِلْکُتَبِ: مرنامه نبشته را	شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۱ الانبیاء	۱۱۲	قَالَ	قُلْ: گو	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۲ الحج	۲۳	وَلَوْلَوْأ	وَلَوْلَوْأ: عطف بر ذهب و معرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۷۳ الحج	۲۵	سَوَاءً	سَوَاءً: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۴ الحج	۳۹	یَقَاتِلُونَ	یَقَاتِلُونَ: کارزار می کنند	حمزه، کسائی، خلف، شعبه،



آیه	سوره	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائت مورد پذیرش مترجم
				ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر
۷۵	المؤمنون	کَلِّ زَوْجین	کَلِّ زَوْجین: هر همه نری و ماده	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۷۶	النور	یَسْبِحْ	یَسْبِحْ: به پاکی یاد کرده شود	شعبه، ابن عامر
۷۷	النور	آیات مَبِیِّنَات	آیات مَبِیِّنَات: آیاتی روشن	شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۷۸	الفرقان	یحشرهم	نحشرهم: گرد کنیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، نافع، ابن عامر
۷۹	النمل	تخفون	یخفون: پنهان کنند	حمزه، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۰	النمل	تعلنون	یعلنون: آشکار کنند	حمزه، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۱	النمل	یشركون	تشرکون: انباز می آرید	حمزه، کسائی، خلف، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۲	النمل	آتوه	آتوه: آیند گان او	کسائی، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۳	النمل	تفعلون	یفعلون: همی کنند	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر،

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
				هشام
۸۴ النمل	۸۹	فَرَعَ يَوْمئِذٍ	فَرَخِ يَوْمئِذٍ: هراس و ترس آن روز	ابوعمر و، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۵ النمل	۹۳	تعملون	يعملون: همی کنند	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابوعمر و، ابن كثير
۸۶ العنكبوت	۲۵	مودةً بينكم	مودةً بينكم: دوست داشته در میان شما	خلف، شعبه، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۸۷ العنكبوت	۵۵	و يقول	و نقول: و گوئیم ما ایشان را	ابوعمر و، يعقوب، ابن كثير، ابوجعفر، ابن عامر
۸۸ الروم	۱۰	عاقبةً	عاقبةً: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمر و، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر
۸۹ الروم	۲۲	للعالمين	للعالمين: مر جهانیان را	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابوعمر و، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۰ لقمان	۲۰	نعمه	نعمه: نیکوداشتی	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، يعقوب، ابن كثير، ابن عامر
۹۱ احزاب	۴۰	و خاتم	و خاتم: و مهر نهنده	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابوعمر و، يعقوب، ابن كثير، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۲ سبأ	۵	رجز اليم	رجز اليم: عذابی دردناك	حمزه، كسائي، خلف، شعبه، ابوعمر و، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۳ سبأ	۱۷	نُجَازِي الَا	يُجَازِي الَا الكفورُ:	شعبه، ابوعمر و، ابن كثير، نافع،

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائت مورد پذیرش مترجم
		الکفور	پاداشت داده شود مگر ناسپاس	ابوجعفر، ابن عامر
۹۴	سبأ ۴۰	یحشرهم	نحشرهم: برانگیزیم ایشان را	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۵	سبأ ۴۰	ثم يقول	ثم نقول: باز گوئیم	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۶	فاطر ۳۳	و لؤلؤاً	و لؤلؤ: عطف بر ذهب و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۹۷	صافات ۶	بزینة الکواكب	بزینة الکواكب: به آرایش ستارگان	کسائی، خلف، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۹۸	صافات ۱۷	أَوْ أَبَاؤُنَا	أَوْ أَبَاؤُنَا: یا پدران ما	قالون، ابوجعفر، ابن عامر
۹۹	صافات ۴۰	المخلصین	المخلصین: ویژه کنندگان	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، ابن عامر
۱۰۰	الزمر ۶۱	بمفازتهم	بمفازاتهم: به فیروزی های خویش	حمزه، کسائی، خلف، شعبه
۱۰۱	غافر ۳۵	قلب	قلب: دلی	ابوعمر و، ابن ذکوان
۱۰۲	الشوری ۲۵	تفعلون	یفعلون: می کنند	شعبه، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
۱۰۳	زخرف ۲۴	قَالَ	قُلْ: بگویی یا محمد	حمزه، کسائی، خلف، شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۱۰۴	احقاف ۱۶	نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ احسنَ	يُتَقَبَّلُ عَنْهُمْ احسنٌ: پذیرفته شود از ایشان نیکوتر	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۵	احقاف ۱۶	و نَتَجَاوَزُ	و يُتَجَاوَزُ: و درگذرانده شود	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۶	محمد ۲۶	و اسرارهم	و اسرارهم: و پنهان‌های ایشان	شعبه، ابوعمرو، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۷	الرحمن ۱۲	و الریحانُ	و الریحان: عطف به العصف و مجرور معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف
۱۰۸	الواقعه ۴۸	أَوْ آبَاؤُنَا	أَوْ آبَاؤُنَا: یا پدران ما	قالون، ابوجعفر، ابن عامر
۱۰۹	الجن ۲۰	قُلْ	قال: گفت	کسائی، خلف، ابوعمرو، یعقوب، نافع، ابن کثیر، ابن عامر
۱۱۰	النبأ ۳۷	رَبِّ	رَبِّ: ابتدایی معنا کرده است.	ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر
۱۱۱	النبأ ۳۷	الرحمنِ	الرحمن: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمرو، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر

سوره	آیه	روایت حفص	قرائت بر اساس نظر مترجم	قرائات مورد پذیرش مترجم
۱۱۲ عبس	۲۵	آنا	آنا: به درستی که	ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر
۱۱۳ التکویر	۲۴	بضنین	بظنین: گمان برده	کسائی، ابوعمر و، رويس، ابن کثیر
۱۱۴ البروج	۱۵	ذو العرش المجید	ذو العرش المجید: خداوند عرش بزرگوار	حمزه، کسائی، خلف
۱۱۵ المسد	۴	حمالة	حمالة: ابتدایی معنا کرده است.	حمزه، کسائی، خلف، ابوعمر و، یعقوب، ابن کثیر، نافع، ابوجعفر، ابن عامر

۳-۱-۷- در بررسی و شمارش قرائت در مواضع اختلافی با روایت حفص، بیشترین تعداد به قرائات ابوعمر و و ابن کثیر با ۸۹ و ۸۴ اختصاص دارد. هر چند تعداد مواضع مربوط به قاریان کوفه، در انتهای فهرست است، اما به طور مشخص، قرائت عاصم به روایت شعبه با ۶۳ موضع (با یک موضع اختلاف از او) در صدر ایشان قرار دارد که خود، حاکی از توجه بیش تر به آن می باشد. در مقابل، قرائات حمزه و خلف با ۵۶ و ۵۸ موضع در انتهای فهرست فراوانی قرار دارند.

۳-۱-۸- انفرادات قرائات در این ترجمه غیر از حمزه با ۲ موضع، به قرائات کسائی، نافع، ابوجعفر و شعبه از عاصم هر کدام با ۱ موضع اختصاص دارد.

### ۳-۲- بررسی قرائات در مواهب العلیة

۳-۲-۱- کاشفی، بنای قرائت در تفسیر حسینی را قرائت عاصم به روایت ابوبکر شعبه بن عیاش قرار داده است و در تفسیرش جز موارد معدود، به دیگر قرائات، حتی اشاره‌ای هم ندارد. وی در مقدمه‌ی کوتاه تفسیرش چنین می‌نویسد: «و چون قرائت جائز التلاوة بسیار است و اختلافات قراء در حروف و الفاظ، بی‌شمار، درین اوراق از قرائت معتبره روایت بکر از امام عاصم - رحمه الله - که درین دیار به صفت اشتهار و رتبت اعتبار دارد، ثبت می‌گردد و بعضی از کلمات که حفص را با او مخالفت است و معنی قرآن به سبب آن اختلاف، تغییر کلی می‌یابد اشارتی می‌رود.» (کاشفی، ۱۳۷۶، ص ۱).

۳-۲-۲- از جمله‌ی موارد معدودی که وی به دیگر قرائات اشاره دارد، می‌توان اشاره کرد به اختلاف قرائات در: «مالک» (الفاتحه: ۴) (پیشین، ص ۲) و «حسناً» (البقره: ۸۳) (پیشین، ص ۲۱).

۳-۲-۳- در مواضعی که بین شعبه و حفص در روایت از عاصم اختلاف وجود دارد، کاشفی بدون توجه به سایر قرائات، مبنای تفسیر را روایت شعبه قرار می‌دهد ولی در پایان، به روایت حفص نیز اشاره می‌کند؛ نظیر: «یعملون» (البقره: ۸۵) (پیشین، ص ۲۲)، «یوصی» (النساء: ۱۱) (پیشین، ص ۱۲۶)، «یقولون» (البقره: ۱۴۰) (پیشین، ص ۳۴).

۳-۲-۴- در مواضع معدودی نقل وی از روایت حفص ناصحیح است. یکی از این موارد «و اتخذوا» (البقره: ۱۲۵) (پیشین، ص ۳۱) می‌باشد که وی روایت حفص را «و اتخذوا» دانسته است.

۳-۲-۵- ملاحسین واعظی کاشفی در نیمه‌ی قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری می‌زیسته است. از مجموع قراین و تصریح خود برمی‌آید وی که تفسیرش را به زبان عموم مردم و مطابق سطح ایشان نگاهشته است، آن را بر اساس قرائت رایج در منطقه و دوره‌ی خود انجام داده است. مطابقت این تفسیر با روایت شعبه از عاصم افزون بر تصریح خودش در مقدمه، می‌تواند مؤید رواج این روایت در بین عموم مردم باشد.

### ۳-۳- بررسی قرائات در تفسیر منهج الصادقین

۳-۳-۱- مولی فتح الله کاشانی، بنای قرائت در منهج الصادقین را قرائت عاصم به روایت ابوبکر شعبه بن عیاش قرار داده است و در تفسیرش جز موارد معدود، به دیگر قرائات، حتی اشاره‌ای هم ندارد. از جمله‌ی این موارد معدود، می‌توان اشاره کرد به اختلاف قرائات در: «مالک» (الفاتحه: ۴) (کاشانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۶) و «حمالۀ» (المسد: ۴) (پیشین، ج ۱۰، ص ۳۸۷).

۳-۳-۲- در مواضعی که بین شعبه و حفص در روایت از عاصم اختلاف وجود دارد، کاشانی بدون توجه به سایر قرائات، مبنای تفسیر را روایت شعبه قرار می‌دهد ولی در پایان، به روایت حفص نیز اشاره می‌کند؛ نظیر: «استُحِقَّ» (المائدة: ۱۰۷) (پیشین، ج ۳، ص ۳۳۰)، «لنحسبکم» (الانبیاء: ۸۰) (پیشین، ج ۶، ص ۹۴)، «قُل» (الانبیاء: ۱۱۲) (پیشین، ج ۶، ص ۱۳۰) و «نزاعه» (المعارج: ۱۶) (پیشین، ج ۱۰، ص ۹).

۳-۳-۳- مولی فتح الله کاشانی در قرن دهم هجری قمری می‌زیسته است. از مجموع قرائت برمی‌آید وی که تفسیرش را به زبان عموم مردم و مطابق سطح ایشان نگاشته است، آن را بر اساس قرائت رایج در دوره‌ی خود انجام داده است. مطابقت این تفسیر با روایت شعبه از عاصم می‌تواند مؤید رواج این روایت حداقل در برخی مناطق ایران به ویژه در منطقه کاشان و قم و ری در بین عموم مردم باشد. برخی از محققان، علت نگارش تفسیر منهج الصادقین بر اساس روایت شعبه را توجه دانشمندان بزرگی در قرون هفتم و هشتم - از جمله علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ ق) و ابوحنیفه اندلسی (۶۵۴ - ۷۵۳ ق) - به روایت شعبه از عاصم و به خصوص شیوع آن در منطقه عراق دانسته‌اند (ستوده‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

### ۳-۴- بررسی قرائات در زبده التفسیر

۳-۴-۱- مولی فتح الله کاشانی در مقدمه‌ی تفسیرش اشاره می‌کند که در آن، قرائات ده‌گانه‌ی متواتر ذیل آیات را ذکر می‌کند (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۷). البته از میان ده قرائت معمولاً به قرائت خلف العاشر اشاره نمی‌کند؛ نظیر: «مالک» (الفاتحه: ۴) (پیشین، صص ۲۷ - ۲۸).

۳-۴-۲- در برخی از کلمات قرآن، وی به قرائت‌های مختلف اشاره‌ای ندارد؛ نظیر: «الصراط» (الفاتحه: ۶) با این که مبنای وی در بعضی از مواردی که اختلاف قرائت در معنا تأثیری ندارد، ذکر قرائت می‌باشد؛ از جمله: در «وَهُوَ» (البقره: ۲۹) که به قرائت «وَهُوَ» اشاره می‌کند (پیشین، ص ۱۱۰).

۳-۴-۳- در عموم مواضع، کاشانی مبنای تفسیر را یکی از قرائت‌ها در نظر می‌گیرد و آیه را بر اساس آن تفسیر می‌کند و سپس به سایر قرائت‌ها اشاره می‌کند و در صورت لزوم، تفسیر آیه را با قرائت دیگر نیز بیان می‌کند؛ از جمله: مبنای گرفتن قرائت «يعملون» (البقره: ۷۴) (پیشین، ص ۱۷۲) و آن‌گاه اشاره به قرائت ابن‌کثیر به صورت «يعملون» (ابن‌جزری، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ مبنای گرفتن قرائت «يعملون» (البقره: ۱۴۴) (کاشانی، پیشین، ج ۱، صص ۲۵۲-۲۵۳) و آن‌گاه اشاره به قرائت حمزه، کسائی، روح از یعقوب، ابوجعفر و ابن‌عامر به صورت «يعملون» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۲۲۳)؛ مبنای گرفتن قرائت «استَحَقَّ» (المائدة: ۱۰۷) (کاشانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۷) و آن‌گاه اشاره به روایت حفص از عاصم به صورت «استَحَقَّ» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۶)؛ مبنای گرفتن قرائت «متاع» (یونس: ۲۳) (کاشانی، پیشین، ج ۳، ص ۲۰۱) و آن‌گاه اشاره به روایت حفص از عاصم به صورت «متاع» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۳)؛ مبنای گرفتن قرائت «یوحی» (یوسف: ۱۰۹) (کاشانی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۹) و آن‌گاه اشاره به روایت حفص از عاصم به صورت «نوحی» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۲۹۶)؛ مبنای گرفتن قرائت «قُل» (الانبياء: ۴) (کاشانی، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۰) و آن‌گاه اشاره به قرائت حمزه، کسائی و خلف و روایت حفص از عاصم به صورت «قال» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۳)؛ مبنای گرفتن قرائت «قُل» (الانبياء: ۱۱۲) (کاشانی، پیشین، ج ۴، ص ۳۶۳) و آن‌گاه اشاره به روایت حفص از عاصم به صورت «قال» (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۵).

۳-۴-۴- در موارد معدودی، کاشانی حجت و دلیلی در تأیید صحت یک قرائت می‌آورد؛ نظیر: حجت قرائت «وَهُوَ» (البقره: ۲۹) (کاشانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۰) از کسائی، ابوعمر و قالون و ابوجعفر (ابن‌جزری، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹). در همین خلال، گاهی تصریح به ترجیح قرائتی دارد؛ نظیر: بیان حجت قرائت «حَمَّالَةٌ» (المسد: ۴) (کاشانی،



پیشین، ج ۷، ص ۵۴۸) و تصریح به بهتر بودن آن از عاصم (ابن جزری، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۴).

۳-۴-۵- در بررسی زبده التفسیر مشخص شد مواردی وجود دارد که قرائت ذکر شده صحیح نیست؛ از جمله: قرائت نافع، ابن عامر و عاصم در آیه ۶۷ سوره ی مریم به صورت «أَوْ لَا يَذْكُرُ» ذکر شده است (کاشانی، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۸) که صحیح آن «أَوْ لَا يَذْكُرُ» می باشد (ابن جزری، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۸).

۳-۴-۶- بر خلاف تفسیر منهج الصادقین، مولی فتح الله کاشانی در این تفسیر یک قرائت را مبنای تفسیر قرار نداده است. می توان احتمال داد این رویه به جهت تصریح وی در مقدمه تفسیر در الگوگیری از تفاسیری از جمله مجمع البیان، انوار التنزیل، جوامع الجامع و کشاف می باشد (کاشانی، پیشین، ج ۲، صص ۱۹ - ۲۰). با این حال، برتری و ترجیح مطلق قرائتی خاص از این بررسی برداشت نمی شود، هر چند قوی بودن قرائت عاصم در نظر او را نمی توان نادیده انگاشت.

### نتیجه گیری

۱- مترجمان و مفسران، معمولاً در ترجمه و تفسیرشان، به قرائت متداول در منطقه ی خود توجه داشته اند.

۲- در جدول زیر، نتایج مطالب اصلی مقاله ذکر شده است:

جدول شماره ۲

ردیف	منطقه	قرائت مرجح	عنوان اثر	نام اثر
۱	خراسان	ابوعمر و	ترجمه - تفسیر	ترجمه - تفسیر ناشناخته قرن دهم
۲	خراسان بزرگ	شعبه از عاصم	تفسیر	مواهب العلیه
۳	کاشان، اصفهان	شعبه از عاصم	تفسیر	منهج الصادقین فی الزام المخالفین

۴	کاشان، اصفهان	ترجیح نسبی قرائت عاصم	تفسیر	زبدۃ التفاسیر
---	---------------	--------------------------	-------	---------------

۳- در برخی از آثار این دوره، یک قرائت مشخص و یگانه رعایت نمی‌شود، بلکه تلفیقی از قرائات مورد توجه است. این امر، ادامه‌ی روال اولویت ندادن به قرائتی واحد در نگارش تفاسیر در قرون گذشته است که شواهد متعددی دارد.

۴- با عنایت به ترجمه و تفسیرهای بررسی شده‌ی قرن دهم، روایت حفص از عاصم قرائت علی‌الاطلاق هیچ یک از مناطق ایران نبوده است.

۵- از اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری، به قرائت عاصم توجه بیش‌تری می‌شود. در مرحله‌ی نخست از این توجه، روایت شعبه مرجح بوده است..

#### منابع

- قرآن کریم.
- ابن جزری، ابوالخیر محمد بن محمد، (بی تا)، *النشر فی القراءات العشر*، تحقیق محمد علی ضباع، بیروت: دار الکتب العربی.
- ایازی، سید محمد علی، (۱۳۸۶ش)، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۸۰)، «نقد و معرفی کتاب جواهر التفسیر ملاحسین کاشفی»، *آئینه میراث*، سال ۳، شماره ۱۲.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۱ش)، *تأملی در نهضت عاشورا*، قم: انتشارات انصاریان، چاپ دوم.
- حجتی، سیدمحمدباقر، (۱۳۷۳ش)، *مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم (نگارش و ترجمه)*، عبدالهادی فضلی، تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول.
- حضرتی، حسن؛ مقیمی، غلامحسن، (۱۳۷۷ش)، «نگاهی اجمالی به حیات و اندیشه سیاسی ملاحسین واعظ کاشفی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال ۳، شماره ۹.
- دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، (۱۳۶۲ش)، *التیسیر فی القراءات السبع*، تصحیح: او توپرتسل، تهران: کتابفروشی جعفری تبریزی، چاپ دوم.

- ذوالفقاری، حسن؛ تسنیمی، علی، (۱۳۹۰ش)، **تحقیق و تصحیح روضه الشهداء**، حسین واعظ کاشفی، تهران: نشر معین، چاپ اول.
- رواقی، علی، (۱۳۸۳ش)، **تحقیق و تصحیح قرآن کریم با ترجمه‌ای از مترجمی ناشناخته از قرن دهم**، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
- ستوده‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱ش)، «نگرشی بر قرائت عاصم به روایت شعبه و تأثیر آن بر تفسیر شیعی در عهد صفویه»، **مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان**، سال ۱۴، شماره ۲.
- شایانفر، شهناز، (۱۳۹۰ش)، **ملا فتح الله کاشانی و تفسیر منهج الصادقین**، زیر نظر: اکبر ثقفیان و عای اوجبی، تهران: انتشارات خانه کتاب، چاپ اول.
- طهرانی، آغابزرگ، (۱۳۶۶ش)، **طبقات اعلام الشيعة (احياء الدائر من القرن العاشر)**، تحقیق علی نقی منزوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فضلی، عبدالهادی، (۱۴۳۰ق)، **القراءات القرآنية تاريخ و تعريف**، بیروت: مرکز الغدير للدراسات و النشر و التوزيع، چاپ چهارم.
- فهیمی تبار، حمیدرضا، (۱۳۸۵ش)، «روش شناسی تفسیر منهج الصادقین»، **پژوهش‌های قرآنی**، شماره‌های ۴۶ و ۴۷.
- قمی، عباس، (۱۳۲۷ش)، **فوائد الرضویه**، بی‌جا: انتشارات مرکزی.
- کاشانی، مولی فتح الله بن مولی شکر الله، (۱۳۷۸ش)، **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامی، چاپ پنجم.
- کاشانی، مولی فتح الله، (۱۴۲۳ق)، **زبدة التفاسیر**، تحقیق بنیاد معارف اسلامی، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
- کاشفی، حسین، (۱۳۷۶ق)، **قرآن مجید مترجم مع نسخه تفسیر حسینی**، با ترجمه‌ی ولی الله صاحب محدث دهلوی، بمبئی: محمد، طاهر علی وارادالانی.
- کخاله، عمر رضا، (بی تا)، **معجم المؤلفین**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۷۴ش)، **ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او باللقب**، تهران: کتاب‌فروشی خیام، چاپ چهارم.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۷ش)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب**، تنقیح قاسم نوری، مشهد: الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، چاپ چهارم.
- نوائی، میرنظام الدین علی شیر، (۱۳۶۳ش)، **تذکره مجالس النفايس**، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: کتاب‌فروشی منوچهری، چاپ اول.

## The Role of Different Readings of Qur'an in the Iranians' Translations and Interpretations in the Tenth Century

Karim Parchebaf Dolati<sup>۱</sup>  
Seyyed Mohammad-Ali Ayazi<sup>۲</sup>  
Seyyed Mohammad-Bagher Hojjati<sup>۳</sup>

Received: 2012/12/25

Accepted: 2013/07/21

### Abstract

“The Science of readings (*qera'a*) of Quran” may be considered as one of the most important Quranic sciences that has direct impact on the translations and interpretations of this Holy Book. In order to reach the translator and commentator's view on readings of Quran, studying their translation and interpretations of verses with variant readings, which have effect on the meaning, clearly reveals their accepted reading (*qera'a*) or at least their priority.

In this article, one translation (by an unknown author from the great khorasan region) and three exegesis (i.e. *Manhaj-al-sādeghīn*, *Zubda-al-Tafāsīr*, and *Mawāhib-al-Aliyya* or *Hoseini Tafsir*) have been introduced. These four books, written by Iranians, belong to the tenth century which for numerous reasons is considered the initiative era for translators and interpreters in choosing a single reading from among different famous ones.

After a brief introduction of the mentioned books, the article carries on with the comparative study of these sources, considering their choice of various readings. This study indicates that although there had been no unique and widely accepted reading of the Holy Quran among the scholars in all areas of Iran during the tenth century; but, the traditions narrated on authority of Āsim bn Abī al-Nudjūd gained more attention. Furthermore, the complete correspondence between the reading chosen in some of these works and that of Āsim narrated by Abūbākr Shu'ba bn Ayyāsh in such as “*Manhadj-al-sādeghīn*” and “*Hoseinī Tafsir*” reinforces the aforementioned conclusion.

**Keywords:** Quran; Recitations; Translation of the Quran; Interpretation of the Quran; *Manhadj-al-Sādighīn*; *Zubdah-al-Tafāsīr*; *Mawāhib-al-Aliyyah*; *Hoseinī Interpretation*.

---

<sup>۱</sup> Assistant professor at the University of Quranic Science and Teachings, and Ph.D. student in Quranic Science and Hadith at the Islamic Azad University, Science and Research Branch. (Responsible Author). [kdowlati@chmail.ir](mailto:kdowlati@chmail.ir)

<sup>۲</sup> Assistant professor at Islamic Azad University Science and Research Branch.

[info@ayazi.net](mailto:info@ayazi.net)

<sup>۳</sup> Full Professor at University of Tehran [hojjati@ut.ac.ir](mailto:hojjati@ut.ac.ir)